

ردائتہام و استگی سیاسی بہانیاں
بہ اسرائیل و صہیونیسیم

مفہوم صہیونیت

احبای عزیزالهی

در هفته های اخیر گروهی با ارسال جزواتی به منازل بهائیان سعی دارند که اتهامات جدیدی بر این جامعه ستم دیده وارد سازند . هر چند نوع اتهامات هر روز تغییر می یابد ولی بی اساس بودن آن تا زگی ندارد ما سالهاست که به شنیدن این قبیل نسبت های ناروا عادت کرده بی پایه بودن آنها و تناقض گوئی مفتریان را با اثبات رسانده ایم . از جمله اتهامات و تناقض گوئیهای آشکار موارد ذیل است :

- ۱- با بیت و بهائیت ساخته دولت انگلیس است و بهائیان جاسوس انتلیجنس سرویس هستند .
- ۲- با بیت و بهائیت ساخته دولت روسیه تزاری بوده است و بعد با امان دولت انگلیس افتاده است .
- ۳- بهائیان وابسته به صهیونیسم بوده و جاسوس اسرائیل هستند .

اتهامات جدید تر هم خواهد آمد . به زعم مغرضین اگر ثابت شود در کره مرخ هم دولتی وجود دارد بهائیان در آینده جاسوس آن دولت خواهند شد .

اتهامات ردیف یک و دو را مورخین مسلمان و غیر مسلمان که محقق در تاریخ بوده اند بررسی نموده و واهی بودن آنها را اثبات نموده اند (۱) ما در این رساله به بررسی اتهام و ایراد اخیر می پردازیم .

صهیونیسم چیست ؟

" صهیونیسم نهضتی است که مرام آن استقرار حیات ملی یهود است در فلسطین "

و با قبول این نهضت تمام یهودیان متفقاً " در برقراری حیات ملی یهود در فلسطین که بر روی تمام افراد یهود باز خواهد بود کوشش و مجاهدت خواهند نمود بنابراین نهضت نوع پرورانه و مذهبی تبدیل به نهضت سیاسی و ملی گردید و صهیونیسم (دستداران صهیون) جای خود را به صهیونیسم سیاسی داد .

دقت در تعریف صهیونیسم و کاربرد آن بخوبی نشان میدهد که بطور کلی از اصل و پایه هدفی برای تشکیل و اجتماع يك ملت و نژاد و يك نوع همل كاملاً " سیاسی است ، در حالیکه بهائیان هدفشان استقرار وحدت عالم انسانی از طریق رفع تعصبات نژادی و ملی و قومی و روششان عدم مداخله در امور سیاسیه و اجتناب از هر نوع عمل سیاسی است .

در حالیکه یکی از هدفهای صهیونیسم اجتماع یهودیان در اراضی مقدسه است بهائیان اجازه اقامت دائم در اسرائیل نمیگیرند و در آن کشور سکونت نمیکنند و تعداد خیلی هم که برای نگهداری بقاع متبرکه بهائی در آن کشور زندگی میکنند در امور سیاسی و دولتی هرگز خالت ننموده و مشارکتی ندارند (۲) باید توجه داشت که فلسطین سرزمینی مقدس و اورشلیم شهری مذهبی و تاریخی برای پیروان چهار دیانت است . یهودیان - مسیحیان ، مسلمانان و بهائیان هر يك تعلق

مذهبی و دینی باین قسمت از خاک جهان دارند و پیر و ان
هرسه دیانت بزرگ جهت نگاهداری از اماکن دینی خود که
زیارتگاه ایشان است همه ساله میالقی صدها بار بیش از
جامعه بهائی مصروف میدانند پس چگونه است که فقط بهائیان
"عمال صهیونیسم" میباشند؟

حضرت عبدالبهاء سالها در تحت ظلم و ستم دولت عثمانی در
حبس و تبعید بودند چگونگی ظلم و ستم دولت و خلیفه عثمانی
سلطان عبدالحمید و فساد آنها را باید در کتب تاریخی خواند .
در اواخر جنگ بین الملل اول فلسطین که از بلاد شامات و
جزو متصرفات دولت عثمانی بود در اثر حمله ارتش انگلیس (که
با دولت عثمانی در جنگ بود) بتصرف آن دولت درآمد .
حضرت عبدالبهاء که از سالها قبل طی سفرهای متعدد به
کشورهای اروپا و آمریکا و آفریقا در معابد و دانشگاهها و در
مصاحبه با خبرنگاران جراید مکررا "وقوع جنگ عالم سوز را
پیش بینی فرموده بودند خود بهتر از هر کسی واقف بودند که
جنگ واقع خواهد شد ، لذا از مدتها قبل به صرفه جوئی
پرداختند و محصول گندم و آن وقت های را که از مزارع بهائیان
کشاورز حاصل شده بود جمع آوری نمودند و این باعث شد که
در تمام ایام جنگ مردم حیفا و عکا در چار قحطی نشوند . در
آخرین سال جنگ هم یعنی در سال ۱۹۱۸ باقیمانده آن وقت
را به قیمت عادلانه به ارتش انگلستان فروختند . این عمل
حضرت عبدالبهاء را که کاملاً جنبه انسانی داشته و بهیچوجه
جنبه سیاسی نداشته است میخوانند خدمت به انگلستان و

آماده ساختن راه برای تشکیل دولتی که سی سال بعد از آن بوجود آمده است قلمداد کنند حال آنکه تشکیل دولت اسرائیل سالها بعد از صعود حضرت عبدالبهاء تحقق یافته است .

حضرت عبدالبهاء نسبت بجمع مردم فلسطین مهربانی و محبت داشتند بطوریکه بذل و بخشش و ایثار آن حضرت افراد مخالف و موافق را در اطراف آن وجود شریف جمع میکرد . ایشان نه تنها بایهودیان و مسیحیان بلکه بامسلمانان فلسطینی روابطی بسیار صمیمی و انسانی داشتند و از حضرت ایشان که اهل جمع مذاهب و اقوام را بصلح و آشتی و دوستی میخواندند روشی غیر از این انتظار نمیرفت . فضلی مسلمان و مسیحی فلسطین همیشه در مراد و مصاحبت آن حضرت بودند . شعرای مسلمان و عرب بحضورشان میرسیدند و چون آن بزرگوار را مصدق دیانت مقدس اسلام و عارف به حقایق شریعت نبوی و مدافع آن در میان مسیحیان و یهودیان شام میدیدند زیباترین قصاید را در مدح ایشان انشاء مینمودند و وقتی که آن بیانات گهربار را در عظمت آئین اسلام و تجلیل از رسول اکرم و حضرت امیرالمومنین و ائمه طاهرین میشنیدند شیفته و مجذوب ایشان میشدند .

در مراسم تشییع جنازه آن حضرت هزارها نفر از مسلمانان فلسطین شرکت کردند و مفتی مسلمانان حیفاسخترانی فصیحی بزبان عربی ایراد نمود که در صفحات تاریخ ثبت شده است و ما ترجمه قسمتی از آنرا در اینجا می آوریم تا ایرانیان مسلمان

هم بدانند که مسلمانان فلسطین در باره حضرت عبدالمبها^۴
چه احساسی داشتند و چه زبان و بیانی از آن بزرگوار تجلیل
مینمودند .

در مراسم تشییع جنازه آن حضرت روسای فرق مختلف اسلام
تحت ریاست مفتی مسلمانان حیفاشرکت نموده بودند و توجه
خوانندهای مسلمان تلاوت آیات قرآن شریف مینمودند و در
حالیکه فقدان آن حضرت اهل همه ادیان را متأثر ساخته بود
نماینده اسلام در این مراسم احساسات همکیشان خود را
چنین بیان نمود (۳)

" ای معشر عرب و عجم برای که گریه میکنید آیا برای کسی است
که در حیات دنیوی خود بزرگ بود و در موت امروز خود بزرگتر
است ساعتی برای خاطر کسی گریه کنید
که قریب به هشتاد سال بحال شما گریه کرد نظر بر است کنید
نظر چپ نمائید نظر بشرق و غرب نمائید ببینید چه عظمت و
جلالی غیبت نموده چه پایه بزرگی منهدم شده ، چه لبهای
فصیحی خاموش گشته وای بحال فقرا که احسان
از آنها مقطوع شد وای بحال یتیمان که پدر بزرگوارشان از دست
رفت از اعمال این قائد انسانیت چه بیان
کنم زیرا که خارج از حد وصف و بیان است بهمین اکتفا میکنیم
که بر هر قلبی اثری دائمی گذاشت و بر هر زبانی ذکر خیر
عظیم "

و سپس در عظمت مقام و سجایای آن حضرت مفتی مسلمانان
حیفا چنین گفت : (۴)

" مایل نیستم که در تجلیل این شخص جلیل مبالغه کنم زیرا که ایادی احسانش در راه خدمت به انسانیت و تاریخ حیات غرایش که ملو از نیکی و مبرات است منکری ندارد مگر کسی که خداوند چشم قلبش را کور و نابینا کرده باشد
ایکه از ما پنهان شدی ای راهنمای بشرین از فقدان قائد با سخاوت و رفوف ، فقرابه که متوجه شوند ؟ حامی بیوه زنان ، گرسنگان و یتیمان که خواهد بود ؟ امید است که حضرت باری باهل بیت و خویشاوندان در این مصیبت عظمی صبر عنایت فرماید "

در این مراسم همه سخنرانان به فضل و دانش و احسان و بخشش و انفاق به فقرا و دستگیری از محرومان و یتیمان اشارت نمودند . پس آن حضرت که به یتیمان و فقیران و بیوه زنان فلسطینی گندم و آذوقه را انفاق مینمودند اگر مازاد آنرا بدیگران میفروختند نمیتواند بهانه‌ای برای ایراداتهام و غرض ورزی - مفرضین باشد .

مطلوعین بر مسائل تاریخ خاور میانه میدانند که اصولاً " اعراب و یهود در سرزمین فلسطین تا قبل از صد و اعلامیه بالفور در نوامبر ۱۹۱۷ با صلح و برادری در کنار هم زندگی میکردند . (۵)
و بهمین دلیل هم هر دو گروه در مراسم تدفین آن حضرت در کنار هم بودند و هیچیک چنین بهتانی وارد نساختند و چنین افتراضی نزدند و ایشان را به جانبداری و یا توجه به نژادی مخصوص متهم نکردند البته دولت انگلستان قبل از صد و اعلامیه بالفور که در اصل بصورت نامه‌ای از وزیر امور خارجه خطاب بر رئیس جامعه یهود در انگلستان نوشته شده بود قول حاکمیت به اعراب و

بیهود بود هر دو را داده بود و بعد از صد و اعلامیه فوق بود که احساسات اعراب فلسطین نسبت به انگلستان و یهودیان به خشم و نفرت تبدیل شد و این مصادف با آخرین سالهای حیات عنصری حضرت عبدالبهاء بود .

برای حضرت عبدالبهاء قوم و نژاد مطرح نبود ایشان برای استقرار وحدت عالم انسانی و ترک جمیع تعصبات و بیداری وجدان اهل عالم و آشتی و صلح بین نژادها و ادیان الواح بیشماری را مرقوم داشتند در هیچیک از این آثار گرانبها اثری از امتیاز نژادی و قومی و دینی نیست ایشان مخالف عزت و سر بلندی هیچ نژاد و پادینی نبودند بلکه رفعت و سر بلندی همه اهل گیتی را خواستار بودند و افتخار انسان را بخدمت و کسب کمالات و فضائل و خیرخواهی بعموم میدانستند برای ایشان عرب و یهود فرقی نداشت . اینها را فرزندان دو سر را در میدانستند که عاقبت هم باید در کنار هم با احترام و رعایت حقوق متقابل و عدم تجاوز و باروح تفاهم و محبت زندگی کنند . اگر شخص محقق و با انصافی در آثار حضرت عبدالبهاء مطالعه و بررسی نماید از خلال قریب به بیست مجلد تألیفات و هزاران الواح صادره از قلم ایشان درمی یابد که احاطه آن بزرگوار نسبت به تاریخ ادیان علی الخصوص دیانت مقدس اسلام و لسان عرب و آیات الهی و احادیث نبوی تا چه میزان است . ایشان در کتاب مفاوضات به اثبات الوهیت و لزوم مریسی روحانی و اقامه پراهین در حقانیت انبیای الهی پرداخته اند . مکاتیب ایشان که تا کنون قریب بده مجلد آنها جمع آوری شده

است عموماً شامل مسائل علمیه ، حکمت و فلسفه قدیم و جدید و هدایت اهل عالم بر صلح و آشتی و پرهیز از عداوت و خونریزی و پاسخ به سئوالات دانشمندان و فلاسفه مغرب زمین و در مقامات عرفان و توحید و نیز تشویق بر کسب کمالات و فضائل و تخلق با اخلاق الهی است ایشان بدون شك یکی از بزرگترین خطباء و نویسندگان دوره خود بوده اند و صدها خطابه به عربی فصیح و فارسی سلیس از ایشان بجا مانده است . اکثر این خطابات در دانشگاههای مغرب زمین و در جامع علمی و دینی مسیحیان ایراد شده است . نظریوسعت فکر و اندیشه و همت بی نظیر آن حضرت در اشاعه صلح و برادری و احاطه علمیه بر مسائل انسانی و انفاق و بخشش و دستگیری از محرومان بود که بایشان لقب سر (SIR) تقدیم شد و هم زمان با آن حضرت تنی چند از متفکرین و نوابغ علم و نویسندگان عالی مقدار و استادان ادب (مانند تاگور شاعر و فیلسوف هند) از کشورهای مختلف نیز چنین عنوانی دریافت کرده اند و این صرفاً بمناسبت مقام علمی و زحمات آن حضرت در راه گسترش برادری جهانی و وحدت عالم انسانی و شهادت دانشمندان مغرب زمین بر علو مقام علمی و روحانی ایشان بود که دولت انگلستان چنین لقبی را بایشان داده اینک چون مقداری گندم در یک شهر بسیار کوچک جهان بارتش انگلیس فروخته اند این عنوان را بگیرند .

نویسندگان جزوه " تاریخ سخن میگوید " در ادامه حملاتی که باین جامعه مظلوم نموده اند خواسته اند با نقل قولی از

حضرت روحیه خانم همسر ارجمند مولای بهائیان حضرت
شوقی ربانی ارتباط جامعه بهائی و دولت اسرائیل را
بنحوی سیاسی جلوه دهند. در حالیکه حلقه ارتباط
دیانت بهائی و کشور اسرائیل مربوط به تشکیل آن دولت در
سرزمینی است که از سالها قبل محل استقرار و مدفن طلعات
مقدس این آئین بوده است و مشیت الهی و تابع حوادث
روزگار چنین وضعی بوجود آورده است. این نه خواست
بهائیان بوده است و نه تصمیم دولت اسرائیل در آن مدخلیتی
داشته است و این ارتباط الزاماً رابطه ای سیاسی نمیتواند
باشد همانگونه که وجود اماکن مقدسه اسلام و مسیحیت در آن
سرزمین نمیتواند حاکی از رابطه سیاسی بین مجامع روحانسی
آن ادیان با این دولت باشد. بهائیان هرگز اثر اختلافات
نژادی و دینی بر نسی افروزند بلکه دست بدعا بر میداند که موفق
شوند آتش این تعصبات را به "ما" معین هدایت من علی
الأرض تسکین و تخفیف دهند و برای پیشرفت امر الهی جز
محبت عمومی و حسن رابطه انسانی و تحری حقیقت و انصاف و
عدالت طریق دیگری انتخاب نمیکند.

نویسندگان و محققینی که درباره صهیونیسم و مسئله فلسطین
کتابهای معتبر و مستند مرقوم داشته اند (۶) در هیچیک از
کتاب و نشریات خود از بهائیان و یا محافل بهائی بعنـسـوان
"وابستگان به صهیونیسم" نام نبرده اند و جامعه جهانی
بهائی را وابسته به دولت اسرائیل ندانسته اند پس چگونه
است که جزوه نویسان ایرانی فقط موفق به چنین کشف مهم تاریخی

شده اند ؟ اگر دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ برای سازمان ملل متحد تشکیل شده چه ارتباطی به جامعه بهائی دارد و اگر اعراب و اسرائیل در جنگ و خونریزی هستند آیا تقصیرشان برگردن بهائیان است ؟

بهائیان ایران هرگز وجهی جهت کمک به دولت اسرائیل نداده اند . تبرعات اهل بهاصرفاً جنبه دینی و اخلاقی دارد و علاوه بر نگهداری اماکن متبرکه این دیانت یکی از مقاصد عمده اش استقرار صلح عمومی در جهان است نه خرید اسلحه و مهمات جنگی . بهائیان شاید تنها گروهی از مردم دنیا باشند که هرگز دیناری از درآمد خود را صرف خرید تسلیحات نمیکنند ، زیرا نه احتیاجی باین وسائل جهنمی دارند و نه در فکر شکست طتی و نه در هوس تشکیل دولتی و نهدر خیال فتح مملکتی هستند حتی بموجب نص صریح کتاب اقدس حمل اسلحه بطور کلی حرام است .

مقصد بهائیان فتح قلوب اهل عالم است و فتح قلب و وجدان نیازی با اسلحه ندارد .

اگر دولت اسرائیل از سنگهای لازم برای احداث بنای مقام اعلی که مرقده مطهر حضرت باب است گمرگ نگرفته است این يك ارفاق و امتیاز ویژه برای بهائیان نیست . پیروان سایر ادیان هم برای ساختمان و یا ترمیم مساجد و کلیساهای خود از چنین معافیت گمرکی استفاده کرده و میکنند . اگر مراقب حضرت باب و حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء در خاک فلسطین است این خواست دولت های ظالم قاجار و عثمانی بود

که این نفوس مقدسه در عیس و تبعید باشند

اگر حضرت عبدالیهاء وسیله ستم به خلق ستم دیده فلسطین بوده است پس چگونه قریب به ده هزار نفر از همین خلـق ستم دیده از اعراب فلسطین و مسیحیان در مراسم تشییع جنازه ایشان شرکت میکنند و چنان تحلیل تاریخی را از آن حضرت بعمل میآورند ؟

در جای دیگری از این جزوه نوشته اند که " تشکیلات فاسد بیهائیت با ایادی ستمگر اسرائیل همکاری نموده اند " در اینجا میپرسیم تشکیلات بیهائی که همان محافل روحانی است و اعضایش نمایندگان جامعه بیهائی هستند یعنی بهائیان هر ساله از طریق انتخابات عمومی و آزاد و بدون جنجال و تبلیغات اقدام با انتخاب ایشان میکنند و اصول عقاید بیهائیان هم که روشن است پس کجای این تشکیلات فاسد است ؟

ایادی ستمگر اسرائیل چه ارتباطی با این تشکیلات دارد ؟ ملاحظه فرمائید در بسیاری از کشورهای جهان مانند آمریکا فرانسه و انگلستان مراکز و فاتر و مساجد اسلامی وجود دارند آیا این دلیل وابستگی اسلام به آمریکا و انگلستان و یا فرانسه است ؟ در جای دیگر نوشته اند " رهبران بیهائی این گرگان خونخوار و ریایین رهبران تشکیلات بیهائی که همچون عانسس برای نقشه های صهیونیستی در این آب و خاک عمل میکرده است " و سپس از " بهائیان وطن دوست " خواسته اند که پس از این روشنگری موضع خود را در برابر تشکیلات بیهائی روشن نمایند .

خوشحالیم که این بار نویسندگان جزوه از بهائیان و وطن دوست نام میبرند . پس بهائیان وطن دوست هستند ، این استنباط صحیح را باین نویسندگان تبریک میگوئیم بالاخره پس از سالها معلم ایشان شد که بهائیان کشور ایران را دوست دارند و این نویسندگان هم بالاخره برای ایران دوستی بهائیان شهادت دادند . آری حضرت شوقی ربانی میفرمایند

" اهل بهاء چه در ایران وجه در خارج آن موطن جمال اقدس امی را برستش نمایند و در احیاء و تعزیز و ترقی و ترویج مصالح حقیقیه این سرزمین منافع و راحت بلکه جان و مال خویش را فدا و ایثار کنند " (۸)

یاد آوری کنیم که تنهائیانی که سرزمین ایران را مقدس میدانند و انظار مردم جهان را بایران عزیزمان جلب مینمایند این دیانت است . حضرت شوقی ربانی میفرماید " بهائیان موظف بخدمت این آب و خاک و کوشش در آبادانی و عمران و ترقی این مرز و بومند و لولآنکه جان و مال خویش را در این راه از دست بدهند " (۹)

حال چگونه است که اعضا محافل بهائی که با انتخابات آزاد و عمومی برگزیده میشوند و بدون اینکه دیناری حقوق و مزایا و پاداش بگیرند و بزرگترین وظیفه بلکه اعتقادشان خدمت بایسن آب و خاک و کوشش در عمران و آبادانی این مرز و بوم است — " گرگان خونخوار " شده اند ؟ شما کدام صهیونیستی را در دنیا سراغ دارید که جان و مال خویش را در احیاء و آبادانی و سر بلندی ایران مقدس مصروف دارد ؟

در این زمینه سخن بسیار است

فهرست مدارك

- ۱- نگاه کنید بکتاب بهائی گری نوشته احمد کسروی صفحه ۷۸ که هردو اتهام را ساختگی و ناوارد میداند. راهنمای کتاب سال ششم
- شماره ۱ و ۲ صفحه ۲۲ که استاد مجتبی مینوی بی اساس بودن اتهام ردیف و اثبات نموده نوشته است "یقین کردم که این یادداشت‌های منسوب به دالگوروکی مجعول است و این جعل هم باید در ایران شده باشد"
- و آقای آدمیت هم در کتاب امیرکبیر و ایران چاپ چهارم صفحه ۴۵۶ ساختگی بودن جزوه اعترافات دالگوروکی را مرقوم داشته و حتی نام جاعل ایرانی این جزوه را هم ذکر کرده است.
- ۲- دائرة المعارف بین المللی مجلد ۹ صفحه ۴۵۳ که تعداد دقیق ساکنین فلسطین را گزارش داده است.
- ۳- کتاب ایام تسعه تألیف جناب اشراق خاوری صفحه ۴۹۸ موسسه مطبوعات امری
- ۴- کتاب ایام تسعه تألیف جناب اشراق خاوری صفحه ۵۰۰ موسسه مطبوعات امری
- ۵- مسائل خاورمیانه تألیف فایض سابق و دیگران زیر نظر حورانی ترجمه گله داری صفحه ۱۰۶ - انتشارات امیرکبیر
- ۶- بطور نمونه نگاه کنید به کتاب صهیونیسم نوشته یوری ایوانف ترجمه ابراهیم یونس چاپ سوم - انتشارات امیرکبیر

ودرباره فلسطین نوشته ماکسیم رودنسون ترجمه هزارخوانسی
چاپ طوس و کتاب تاریخ عرب در قرون جدید نوشته لوتسکی ترجمه
بابائی - انتشارات چاپار

۷- جزوه ایران از نظریه‌بانیان صفحه ۲۲
موسسه مطبوعات امری

۸- جزوه ایران از نظریه‌بانیان صفحه ۲۲
موسسه مطبوعات امری

شهر الرحه ۱۳۶ هـ

نومبر ماه ۱۳۵۸ شمسی